

تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران / ۳

پزشکی در ایران اسلامی
از بیمارستان مظفری شیراز
تا بیمارستان آستان قدس رضوی

دکتر علی اکبر ولایتی

سرشناسه: ولایتی، علی اکبر، ۱۳۲۴ - Velayati, Ali Akbar
عنوان و نام پدیدآور: پزشکی در ایران اسلامی از بیمارستان مظفری شیراز تا دارالشفاء آستان قدس رضوی /
علی اکبر ولایتی.

مشخصات نشر: تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۵۶۵ص.

فروست: تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران: ۳.

شابک: ۹۷۸۹۶۴۶۹۳۳۹۶۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: پزشکی - ایران - تاریخ

موضوع: Medicine -- Iran -- History

موضوع: پزشکی ایرانی - تاریخ

موضوع: Medicine, Persian -- History

موضوع: پزشکی اسلامی - تاریخ

موضوع: Medicine, Islamic -- History

شماره افزوده: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی

شماره افزوده: تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران: ۳.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ج. ۲۲، ۸/۸ و ۸۶۳۱

رده‌بندی دب: ۶۱۰/۹۸

شماره کتابخانه: ۴۶۸۳۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ درمان، پزشکی و بیمارستان‌ها در اسلام و ایران ۳

پزشکی در ایران اسلامی از بیمارستان مظفری شیراز تا دارالشفاء آستان قدس رضوی

گردآوری و تألیف: علی اکبر ولایتی

صفحه آرای و طراحی جلد: موسسه نشر آفتاب

لیتوگراف و چاپ: تیراژه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۳۳-۹۶-۶

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر، خیابان دهم، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۲۱۸۸۷۵۳۲۳۴۵

فکس: ۰۲۱۸۸۵۰۷۴۲۱

کد پستی: ۱۵۱۴۷۳۴۳۱۱

ایمیل: info@ssor.ir

فهرست

۹.....	مقدمه ناشر
۱۲.....	دربارهٔ مجموعه
۱۷.....	مقدمه

فصل اول: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در ایران از حملهٔ مغول تا برآمدن صفویان ۲۱

۲۱.....	گفتار نخست: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در ایران اتابکان سلغری در فارس
۲۱.....	درآمد
۲۶.....	بیمارستان مظفری شیراز
۵۶.....	بیمارستان مُقَرَّبی
۵۷.....	بیمارستان فخری
۵۸.....	پزشکان اردوی آل مظفر
۶۶.....	گفتار دوم: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در عصر ایلخانان
۶۶.....	درآمد
۷۲.....	بیمارستان و دانشگاه شنبِ غازان (شامِ غازان) تبریز
۸۱.....	بیمارستان و مرکز علمی ربع رشیدی
۱۰۱.....	بیمارستان و مرکز علمی سلطانیه
۱۰۵.....	بیمارستان و داروخانهٔ مستقل همدان
۱۰۸.....	بیمارستان بصره
۱۱۳.....	بیمارستان کمال‌الدین ابوالمعالی در یزد
۱۱۵.....	بیمارستان صاحبی یزد
۱۳۰.....	بیمارستان و دانشگاه رُکنیهٔ یزد

پزشکان اردوی ایلخانان.....	۱۳۷
پزشکان اردوی هولاکو خان و آباخان.....	۱۳۷
پزشکان اردوی ارغون خان.....	۱۴۵
پزشکان اردوی گیخاتو تا غازان خان.....	۱۵۰
یکی دیگر پزشکان دوران ایلخانان.....	۱۶۸
گفتار سوم: پزشکی در جهان اسلام معاصر حمله مغول و حکومت ایلخانان.....	۱۷۰
پزشکی در آسیای صغیر معاصر حمله مغول و حکومت ایلخانان.....	۱۷۰
پزشکی در اندلس معاصر حمله مغول و حکومت ایلخانان.....	۱۸۶
پزشکی در شمال آفریقا معاصر حمله مغول و حکومت ایلخانان.....	۲۰۰
گفتار چهارم: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در دوران آل مظفر.....	۲۲۵
درآمد.....	۲۲۵
بیمارستان شاهشجره.....	۲۲۹
گفتار پنجم: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در عصر تیموریان.....	۲۳۴
بیمارستان هرات.....	۲۴۰
بیمارستان ری.....	۲۴۵
پزشکان اردوی تیموری.....	۲۴۸
گفتار ششم: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در دوران آق‌قویونلوها.....	۲۷۳
درآمد.....	۲۷۳
بیمارستان تبریز.....	۲۷۷
بیمارستان ماردین.....	۲۸۱
بیمارستان شماخی.....	۲۸۲
ابن امشاطی از پزشکان مصر معاصر آق‌قویونلوها.....	۲۸۳
فصل دوم: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در عصر صفویه، افشاریه و زندیه.....	۲۸۵
درآمد.....	۲۸۵
گفتار اول: پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در دوران صفویه، افشاریه و زندیه.....	۳۰۲
بیمارستان آستان قدس رضوی در مشهد.....	۳۰۲
بیمارستان تبریز.....	۳۲۴
بیمارستان قزوین.....	۳۲۷
گفتار دوم: پزشکان اردوی صفوی.....	۳۳۵
اردوی شاه اسماعیل صفوی.....	۳۳۵
اردوی شاه طهماسب صفوی.....	۳۳۸
اردوی شاه عباس اول صفوی.....	۳۵۹

۳۶۳	اردوی شاه‌سلیمان صفوی
۳۹۳	گفتار سوم: پزشکان اردوی افشاریه و زندیه
۴۰۵	گفتار چهارم: خاندان‌های طبابت در عهد صفویه، افشاریه و زندیه
۴۴۳	گفتار پنجم: دیگر پزشکان عهد صفویه، افشاریه و زندیه
۴۴۷	گفتار ششم: پزشکان ایرانی در کشورهای همسایه
۴۴۷	الف) پزشکان ایرانی دوران صفویه، افشاریه و زندیه در دربار ازبکان
	ب) پزشکان ایرانی دوران صفویه، افشاریه و زندیه در دربار پادشاهان مسلمان هند
۴۵۰	(گورکانیان، بهمنیان، عادلشاهیان، نظامشاهیان و قطب‌شاهیان)
۵۰۰	ج) پزشکان ایرانی دوران صفویه، افشاریه و زندیه در دربار عثمانی
۵۰۲	چند تن از پزشکان ایرانی دربار عثمانی
۵۰۹	منابع
۵۳۷	تصاویر
۵۴۹	نمایه

مقدمه

حمله مغولان به ایران به‌یند هم‌سویی عوامل آشکاری نظیر اختلافات چنگیزخان مغول و سلطان محمد خوارزمشاه در موضوع قتل بازرگانان مغول در اترار، و نیز توطئه‌های پنهانی خلیفه عباسی و پاپ واتیکان بود. هم‌سویی این عوامل بعضاً نامرتبط با هم، در این موضع خاص تاریخی، به هم‌افزایی آن عوامل، و نهایتاً یورش ددمنشانه قوم بیابان‌گرد مغول به ایران و ناتوانی حکومت خوارزمشاهی در مقابله با آن انجامید. فارغ از این‌که عوامل زمینه‌ساز این رویداد مهم چه بوده‌اند و هر کدام چه سهم و نقش در بروز این رخداد تاریخی داشته‌اند، نکته مهمی که باید بدان توجه کرد این است که واقعه حمله مغولان،

۱. نگارنده در اثر دیگری با عنوان *ایران از حمله مغول تا پایان تیموریان*، مجلد سوم از مجموعه «تاریخ کهن و معاصر ایران زمین»، ذیل فصل «عوامل زمینه‌ساز حمله مغول» (ص ۵۹ - ۱۱۵)، بحث مفصلی کرده است که برای آگاهی بیشتر از این عوامل، می‌توان به آن مراجعه کرد. اجمالاً می‌توان گفت مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز داخلی اعم از رواج خرافات در میان مردم که کافران درنده‌خوی مرزهای شرقی را نشانه‌ای از خشم خدا می‌دانستند و بر این باور بودند که ایستادن مقابل حملات ایشان، ایستادن در برابر رأی الهی است، اوج‌گیری اختلافات مذهبی و فکری فرق متنوع فقهی و فلسفی که جامعه نخبه را از درون تضعیف کرده بود، و عوامل بیرونی اعم از دسیسه‌های الناصر دین‌الله خلیفه عباسی ضد ایرانیان، و توطئه‌های پاپ اینوسان چهارم (ریاست: ۱۲۴۳ - ۱۲۵۴م) و پادشاهان اروپا نظیر لویی نهم (حکومت: ۱۲۲۶ - ۱۲۷۰م)، پادشاه فرانسه، و تا حدی ادوارد اول

که هویت و اتحاد ملی ایرانیان را تهدید می‌کرد، یکی از آزمون‌های مهم تاریخی مردم ایران را رقم زد. تلاش و همت خستگی‌ناپذیر ایرانیان در حفظ و حراست از داشته‌های علمی و فرهنگی خویش سبب شد که حمله مغولان، به‌هیچ‌روی، توقفی در روند روبه‌رشد فرهنگ و تمدن ایران و شکافی در هویت ایرانی و پیشرفت علمی و فرهنگی ایران ایجاد نکند. ایرانیان در وانفسای تاخت و تاز مغولان، گرچه به لحاظ نظامی متحمل شکست‌هایی شده بودند، اما در درازمدت پیروز میدان گشتند و کاری کردند که مغولان در برابر غنای فرهنگ و تمدن اسلامی ایران سر فرود آورند. ایرانیان، پس از سقوط خلافت پوسیده عباسیان، از فردا، وجود آمده بهره بردند و زمینه را برای برقراری یک دولت شیعی، که خواسته آرزوی ایران مردمان ولایت‌محور ایران بود، آماده کردند. در همان دوران ایلخانان، حرکت‌هایی از سوی ایلخانان و به‌سفارش بزرگان ایرانی درباره ایشان برای رسمی، به‌خشیستن، به مذهب تشیع در ایران انجام شد، اما تقدیر چنان بود که این آرزو در دوران پرافتخار حکومت صفویان جامه عمل پيوشاند. ایران در دوران صفویه به بالاترین مراجع، شرف علمی و فرهنگی و هنری، در قیاس با دیگر کشورهای آن عصر، رسید. اما تاریخ برای دوران پرشکوه و اوج قدرت ایران در عهد صفویه پایانی غم‌انگیز رقم زد. نخست، رخوت و کاهلی برخی شاهزادگان آسایش‌گزین صفوی همچون موریانه‌ای پادشاهان، نخت اقتدار صفویان را از درون سست کرد و در پی آن حکمرانانی روی کار آمد که نه از دلاوری‌های مردانه شاه اسماعیل و نه از سیاست شاه طهماسب و نه از خرد شاه عباس بویی برده بودند. در این میان، نفوذ خواجه‌سرایان و عملة حرم در امور سیاسی پیچیده‌ترین امور مملکت را از دست خبرگان و اهل فن گرفته و به عده‌ای حقله سوداگر سپرده بود. حاصل کار حکومتی ناکارآمد و کم‌بهره از پشتیبانی مردمی بود که در هر گوشه‌اش غائله‌ای و در برابر هر سیاستش مدعی و مخالفی هویدا بود. در چنین وضعیتی، گروهی از اتباع ایران، از دودمان غلجائیان قندهار، به رهبری جوانی جاه‌طلب، اما سیاست‌باز و خون‌ریز به نام محمود راه پایتخت را در پیش

گرفتند و، بی آن که خود انتظار داشته باشند، به فتوحات پی‌درپی دست یافتند و تا دیواره‌های کلان‌شهر اصفهان پیش تاختند. سلطان بی‌مایه صفوی، شاه سلطان حسین که به همان اندازه که از شکوه و جلال بهره‌مند بود از دانش سیاسی و اقتدار نظامی بی‌بهره بود، جقه پادشاهی را با دست خویش به فرمانده غلجائی تقدیم کرد. غلجائیان، سرمست از این پیروزی غیرمنتظره که بیش از هر کس خود ایشان را به شگفتی واداشته بود، خود را برای حکمرانی طولانی بر سرتاسر خاک ایران آماده می‌کردند. از این روی، بر آن شدند تا، به‌اجبار و به زور تیغ آخته، شیعیان باورمند ایرانی و ارادتمندان ائمه اطهار (ع) را از مسیر حقه تشیع بازدارند. بعین بود که سردار خراسانی ایل افشار، ندرقلی (نادرشاه بعدی)، با تکیه بر حمایت مردمی برای نجات ایران و مذهب تشیع به‌پا خاست و قدرت را از دست غلجائیان ستاند و غلجایی‌ها و اشغالگران روس و عثمانی را از بیشه شیران، سرزمین سرافراز ایران، بیرون راند. دریغا که دوران اقتدار نادری دیری نپایید و با بیماری و ضعف، سل، اسهال، افشار مسیر نزول و افول پیمود. با قتل نادرشاه، جنگ خاندانی افشارها بدای شدن به تاج‌وتخت و گنج‌های افسانه‌ای نادر، باقیمانده اقتدار افشاریه را از میان برد و احترام سرداران ایران به شخص نادر نبود، حکومت شاهرخ نابینا در خراسان نیز در تنبهداد حوادث دوران درهم پیچیده می‌شد. در چنین وضعیتی آشفته‌ای، دیگر سردار ایرانی، کریم‌خان، پیش از آن که ایران باز دستخوش چپاول اشغالگران بیگانگان و غارتگران خودی گردد، همچون نادر، در برابر ناوک خصم سینه سپر کرد و رشت ایران را در دست گرفت. اما افسوس که مرگ کریم‌خان هم پایانی اسفبار بر دوران سکه و عزت زندیه بود. پس از مرگ خان زند، سرداران او، چون گریان تیزدندان، راه‌های تخت پادشاهی ایران را به دندان خاییدند و آن را از هم دریدند؛ چنان که پیکر بی‌جان کریم‌خان روزها بر روی زمین ماند. چندی بعد، جوانی از خاندان زند به نام لطفعلی‌خان با رشادتی مثال‌زدنی اقتدار کریم‌خان را برای مدت کوتاهی احیا کرد، اما در برابر خیانت سیاست‌باز خودی، حاجی ابراهیم‌خان کلانتر، و درخیمی دشمن قسم‌خورده خاندان زند، آغامحمدخان قاجار، کاری از پیش نبرد و چشم و جان خویش را باخت. ایران، پس از گذر از این دوران پرخطر و پراسیب، چشم‌انتظار روزگار آرامش بود، آرزویی که تا سال‌ها بعد محقق نشد.

در این دوران پر آشوب، یعنی از برآمدن مغولان در شرق ایران و حمله این قوم به ایران تا برآمدن ایل قاجار که خود را منتسب به یکی از سرداران مغول می‌کرد، ایران دورانی پرفراز و نشیب را تجربه کرد که شاید در تاریخ، کم‌تر مشابه و ماندی برای آن بتوان سراغ گرفت. طرفه آن‌که در همین دوران پر آشوب هم، ایرانیان از آموزش و آموختن علوم و فنون و فراتر از آن، از پیشستازی در علم، بازماندند و سکان هدایت دانش در منطقه را از دست ندادند. در این بازه تاریخی، هرگاه، کشور ثبات و قوامی می‌یافت، دانشمندان و فرهیختگان گرد هم می‌آمدند و به کتاب‌های خیرین و نیکوکاران متمول، به بنای بیمارستان‌ها و دارالشفاهای موقوفه امت می‌گماشتند تا تن رنجور و خسته مردمان ایران در آن، آرام گیرد و بر زخم‌هایشان مرهم نهاده، و برای آلامشان، دارویی فراهم شود.

کتاب پیش‌ری، نه‌ای است علمی و مستند به تاریخ پزشکی، درمان و بیمارستان‌ها در این بازه زمانی که کم‌وبیش مقارن با تأسیس بیمارستان مظفری شیراز در دوران اتابکان، یعنی در فارس (تأسیس: اوایل قرن هفتم هجری) تا دارالشفاء آستان قدس رضوی، در مشهد (تأسیس: اواخر قرن نهم یا اوایل قرن دهم هجری) است.